



۶۹-۹

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب مجلس تنظیم شد (مجموعه تنظیمات و اسناد)	شماره ثبت کتاب
مؤلف	۶۷۰۳۵
موضوع	۹۳۲۲
شماره قفسه ۸۴۴۱	

بازدید شد
۱۳۸۲

بازرسی شد
۳۴ - ۳۴

کتابخانه و اسناد مجلس شورای اسلامی
۸۴۴۱

39.9

مغرب بر دست خورید که **زال** از اینست که کوهستان تا ترقی به زیارت
و اگر نشد به هزار نفر آدمی حمله راست است پس هر دوازده ساعت که در آدم هر یک
از بهترین قطعات زمین بکنند در دست هر هزار سال نتوانسته اند که زمین را بران
خود میفرزید اینست که در خلق هر کاه سال یک که در قن بر اموال خود میفرزند
تا در میان جمع اموال این است هر هزار که در صد بار اموال همیشگیان باشد
و حال اینست که جمیع اموال را در این هر هزار سال یک بقیه منزل کرده
و بدین ترکان این بقیه مملکت است یا بر کوشیم حسن الله ترقی به زیارت یعنی
از ملک آن خارج و در جنس حیوان است یا بر کوشیم یک سال بزرگ این ترکان
کلیه طبیعت را در ایلان بریم زده است حرف اوله فرض لغو است پس در
بیت حقیقت بقیه آخر را در جهت کوشیم نیز اقرار نایم در دوازده هزار سال در ایلان بعضی
بعضی موانع خارج بصره کند آنست که در این مملکت بقضا نظرت است نه
ترقی نایم تا بر این هر کاه تا تو اینم از موانع خارج در مملکت کوشیم هر کاه از نیت است
در دست نایم در این موانع را از ایلان نایم نایم است که در جمعیت و آنچه بکلمه قانون
ترقی به زیارت است ترقی خواهد بود و لکن مقدر کار اینست که در خلق بر سر نایم
یک صاحب نایم خواهیم در بیست قطعه ابران زده که در دنیا در خواهد بود

۶
اگر در دلیلی بختی در این هر سر نه خواهد گفت بر این نسیکه فرستاده ام بر این
و مال علم را در صرف این مطالب که نام جلیل نسیکه علم که در هر کس جمیع علوم
و هیچ تر است بر این نسیکه عقلا در این هر علم جمیع است و در در این هر کس عقل
بزرگ است و ما به این علم را از پیش خود باقی ایم در تمام عظمت چنان عقل
هیچ جواب نخواهیم داشت که اینست ایشان را بر بوسه و از حضرت ایشان
مخمس نبود ما با وصف عقلا بزرگ را رسم خواهد ماند ترقی در این با هم موانع
که داشته است و در دوش صلیه ما نیز به هر خواهد بود هر هزار اینم که در ایلان
باقی است و در کمتر ترقی به زیارت است نسیکه و بشیم تصدیق خواهیم که در جهت
ترقی در این ایلان هر کاه در هر داریم است هر موانع ترقی در این بر داریم
هر کاه تقصیر این موانع را از عقلا بر این برسیم هر کاه که از ذرات منتهی را
شرح خوانند بلکه خواهد گفت معایب که در اغراض در دست یک دیگر است
بر تو حکام و دیگر خود هر آرد و بعضی خواهد است و از ذرات خود هر علم خواهد است
بعضی دیگر محنت است همین است و بعضی نام بیان خوانند که در موانع
ترقی در این هر کس با نسیکه عقلا در این هر کس که در خواهد بود اما بعضی موانع را در این
کلمه کس خواهد در موانع و موانع مطلق موانع و در ترقی را در نفس ترکیب است

هیچ نمی توان تصور کرده ترکیب است الفجر جمع در صواب عجیب در باب
 صیرضربان بزرگ بعد است جمع ذلتها و خرابها و انقضا است ایران در حرف
 صیر صواب این در کتاب است و باب این نموده بزرگ فرج باشد در الفجر هم است
 و دخل فرجات بخیرم خود وصلت مایست در در وسط طران کج کارخانه خندان
 دست و پا بست کرد دخل ایران را بسته ایم چه چنان این کارخانه حرکت این است کرد
 خلق در زمانه نام الفجر معروف برون این کارخانه است در کس این کارخانه
 بسته است بید خندان فاعله قبه و در وقف چه چنان کارخانه غلغله است و کله
 بلیه است و بسیار این در کتاب است که اصله در بنی اعیان مردم و در کس غیر کارخانه
 باشد این چه چنان بلیه و موطر بخوانند که در بنی هر وقت بخوانند بخوانند
 تصور بعضی است در حالت است که در دفع الیون با هر چه باشد در وسط کارخانه
 است که ایم در قمره یک صرح کوهک این در کتاب است بیکه خالی میکنیم صحرای
 عیب نموده همان است در در میان کارخانه برون میکنه و لیکن نایج این عیب
 در خالی کارخانه ملاحظه نمودیم در شست میگردیم در خراب بیک صرح کوهک در اوضاع
 اطراف تنج حیرت فرارها هر چه است آن در زیر در بعضی سخن بیک روز
 در خانه اش بخواند خبر ندارد در کارخانه است صرح چه چنان بزرگ بخواند آنست

در هر باب است در قول بفرود سینه هیچ نمی توان تصور کرده در اوله همین عمل حرفه افند
 صد هزاران ضرر بدست میریزد صواب این کارخانه را کس ازین شرح نموده است
 و لیکن کجه تحقیق من صواب نموده خنده کلبه یا ناست علم با ۲ داریم فرج در کله
 در قسم دارد تمسح ماکم این کارخانه در اوله افند در کس در کارخانه در اوله اختیاری
 است در حال دیوان در طریقه اجراء حکم است اصله در حق زرار بنیان
 حکم در اوله در اوله در اوله اختیاری است نیز در قمره با دانه یک حکم میکنه حال
 دیدن مختار شده در حکم با دانه در هر قسم خود بخوانند بخوانند بر اوله منتها حکم شود
 در اوله در اوله با نصد تومان انعام دادند و زینده و برات مختاری است در برات
 هر وقت در هر جا بخوانند بخوانند هر کار را کس قرار بگیرد در الفجر بخوانند هر کار را
 باشد تا کس ماک است و تنصیح بخوانند هر چه در صواب کله است بیک کار
 مستوفی بجام بر جو کاه بر ناست خواند بر جو کاه فلام و کس در کارخانه در اوله قرار بر کس
 ازین از قسم مطلق ضرر را خراب است کس در سیمه یا در کس خواند یا موطر بخوانند
 همچنین در قمر حکم سیمه یا نده در بعضی تنصیح است که بر نده لکن با تیر این کار را میداند
 باشد آن در اوله در اوله خوانند و اگر بخوانند صحت آن در اوله مطلق میکنه
 و در اوله در اوله در اوله سیمه هر که است در این بحث اختیاری است در اوله

و تقریب جزو مذهب دیوان اختیار است تمام اوضاع دولت به کمالت در مذهب
 فساد در برفان مراد بر وقت در بخوابم هر سکنه منعم قریب بهم سرباز ما فرج
 هر طریقی بخوابم تقریب سیم حکمرانی در اول فرنگ بر آورده قانونی است معنی
 تعالیف عالم است که در این صریح بود مذهب و معنی است در در جوار حکم است
 هیچ طریق منزه بقدر زنده و خرد و تصرف نیز حال آورده قانونی در حقیقت حکم
 چرخ دارند و قمره فریاد است که در با سیم چرخ است بر کفر در آورده قانونی
 هم و تقریب است حکم سکنه جمع عالم دیوان مذهب چرخ است بر طبق حکم
 دولت با اختیار است سکنه این نوع اداره نقطه تعالیف است
 در آورده اختیار بر غیر شوق است و است و در کل در هم مخلوط کرده اند جمیع صدمات
 بر همه دولت است از یادش توقع دارند شدت بخوابم است که هم قانون بگردم
 حکم سکنه هم موزن است اجراء است و حال است که غیر مضمون است فقط حکم است
 پس موزن است اجراء است و بیادش دارند شدت و قمره است که حکم سکنه
 در هر مرتبه در اول که است و دیگر لازم است در بخوابم است بر است بر
 در هر مرتبه در هر سینه حکم است چرخ است با غیر در آورده قانونی خان اوضاع
 فراهم آورده اند تعالیف است در موزن است اجراء است که است و قمره در هر طریقی

در حکم سکنه است کمالت فساد در اختیار فساد در برفان مراد بر وقت در بخوابم هر سکنه
 منعم قریب بهم سرباز ما فرج هر طریقی بخوابم تقریب سیم حکمرانی در اول فرنگ
 بر آورده قانونی است معنی تعالیف عالم است که در این صریح بود مذهب و معنی
 است در در جوار حکم است هیچ طریق منزه بقدر زنده و خرد و تصرف نیز حال
 آورده قانونی در حقیقت حکم چرخ دارند و قمره فریاد است که در با سیم
 چرخ است بر کفر در آورده قانونی هم و تقریب است حکم سکنه جمع عالم
 دیوان مذهب چرخ است بر طبق حکم دولت با اختیار است سکنه این نوع اداره
 نقطه تعالیف است در آورده اختیار بر غیر شوق است و است و در کل در هم
 مخلوط کرده اند جمیع صدمات بر همه دولت است از یادش توقع دارند شدت
 بخوابم است که هم قانون بگردم حکم سکنه هم موزن است اجراء است و حال
 است که غیر مضمون است فقط حکم است پس موزن است اجراء است و بیادش
 دارند شدت و قمره است که حکم سکنه در هر مرتبه در اول که است و دیگر
 لازم است در بخوابم است بر است بر در هر مرتبه در هر سینه حکم است
 چرخ است با غیر در آورده قانونی خان اوضاع فراهم آورده اند تعالیف
 است در موزن است اجراء است که است و قمره در هر طریقی

Handwritten marginal notes on the right side of the page, written in a cursive script.

۱۳
Handwritten text in the upper right quadrant of the page, including a large heading and several lines of text.

در اجزای مجلس تنظیمات محراب تمیز
در در آن شریک شده تا اجزای تنظیمات در هر در آن هیچ شریک ندارد
ما در باب ترتیب گفتار پنجم در این باب
حق حرف در آن هیچ شریک ندارد
ترتیب گفتار با تنظیمات است ۹ در این مجلس هر کس می رود خود خواهد بود

۱۴
در این مجلس اعتبار از نظر خود خواهد بود
ممنوع خواهد بود حکم مجلس هر کس ختم خود را نصف بگذرد
مخالفت سایر بابتها در غالب در صورت در این خواهد بود
تقسیم باین هر روز اقدسه است در مجلس تنظیمات حضور داشته باشد
هر هفته باید تقدیم قانون وضع نماید
قرارات قانون باید رونق قانون در این زمان حضور و عدم بودن داشته باشد
اول از قوانین در کاتب طرح خواهد کرد
هر هفته در صحت بر این طرح آزاد است باید بنظر آورد
باینه ممنوع خواهد بود دست دیگر که در این تنظیمات در خواست می شود یا توافق صورت
تغییر و تبديل خواهد بود هر قانونه نویسیه با کاتبی که حاضر است
امش طرح قانون خواهد بود و متعلق آن رئیس مجلس مذکور خواهد بود تا اینکه طرح کار
ممنوع در تنظیمات مجلس قانون خواهد بود و در حالت بر مجلس مذکور خواهد بود
در این مجلس هر کس می رود در این مجلس خواهد بود
در مجلس قاع از حضرت مطالب ابراهیم گفتند خواهد بود
هر روز بنظر خواهد بود در این مجلس در هر روز خواهد بود

Handwritten marginal notes on the left side of the page, written in a cursive script.

پوشش موقوف بر اطاق است و تنظیم هیچ وزیر تو را در آن با کمال و شرط و اجرائی آن بر تو
تغییر بر تو مستعمل که بقضای او در آنست در آنست و تنظیم همین که در هیات عدل و عدت
باید موقوف عدل بر اطاق است و وزیر هیات بر نقطه نقطه است نه لکن بر اطاق است
وزیر هیات میباید و لکن میباید با وزیر دادگاه است و هر یک که در آنست تا در اطاق است
در آنست و تنظیم تغیر بر تو و هر یک که در آنست و تغیر بر اطاق است و وزیر هیات صلی با اطاق
مرد و سو مجرب در دو و یک است که در آنست خود است و هر یک که در آنست و لکن
هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و هر یک که در آنست
و در آنست و لکن با اطاق است که در آنست با اطاق است و هر یک که در آنست
سابق در آنست و لکن با اطاق است و در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
از آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
قریب با اطاق است و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است
و در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
فهی و در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
با هم لکن در دو و در آنست و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
نخواهد بود و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست

که هر وزیر است و حکم با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
حکومت بر اطاق است و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
اوله وزیر دادگاه است و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
لکن در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
نخواهد بود و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
بقدره در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
در خلاف این چهار اجزای است و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
مرد و سو مجرب در دو و یک است که در آنست خود است و هر یک که در آنست و لکن
هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
و در آنست و لکن با اطاق است که در آنست با اطاق است و هر یک که در آنست
سابق در آنست و لکن با اطاق است و در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
از آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
قریب با اطاق است و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است
و در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
فهی و در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
با هم لکن در دو و در آنست و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست
نخواهد بود و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست و لکن با اطاق است و هر یک که در آنست

نشانی و در اینجا شمار از مردم صرف جانان خود منتخب فرمودند از غایت و عین جود
 و صاحب منصب جزو سبیه و سیدیه در ایران ملک کن ایش طایفه قریباً در اعتبار
 بدانگان این دولت قطب است که خود را سینه خود قرار داده اند و هرگز جای خود را
 شمرده و شکر جلاله محترمانه حاکمیت بپوشیده اند و بجز بفرغ حسب زکات و فراموشی
 مجلس و تبریر بر یکایک مردم بر سر نیست و چنانکه در اول جدول ظاهر شد و ما چنانکه
 حالت تصرف خود را که در حق نگاه داریم در بدانگان دولت بجاگ طبع تمنای غنیمت حاصل
 مناصب یکایک در صحت و افروغ فرست و نیز با تقصیر و جسیع بر یکدیگر آدم را در ایران
 از قبیت تصرف مستحق می دانند و تصرف بدانگان با نماند قسمت منصرف شرح در حکام
 نشانی و در تحریر و در این همه هرگاه از تصنیف ملاحظه نمایند احتمال است که در آنکه بگذرد
 و الله غفور ربیب عالمس و در این صحت خود انداخت و یا اینکه تارده نه پیش در این
 نوکری و از آنجا بر دست خود بند که
 و بعضی مردم و کفایت نمایند مجلس در بر مردم خود خواهند از آن الزامها موقوفه از هیچ
 فقط در کار خبر دارند و در نظام دولت در درجه بزرگتر و جعل میزند گفتار این که
 اجزای مجلس تصدیق کنند و به اتفاق قسم بیاورند و در کوچکی و غیره که در روز و در سیه
 مقامات نیز موافق این میزان حرکت نیز بجز این مقدمه کتب قرآنین جمیع است

میان آردند و در روز و در نظام دول بنا بر تحریر قانون نگارند تا هر که در روز و در
 بگذرد از قرین نشانی هر چه مردم هر کدام را در سینه میفرمودند محض میباشند و هرگز نه را در
 میفرمودند موافق میباشند هر تغییر میباشند چون ترتیب این قرآنین بر عهد و عهد غلبه آنها
 بنا بر مردم و بعضی معانی در ترتیب آنها را در زنده نگارند و در بعضی از آنها خالی از است

نحوه هر دو

قانون اول بر یک حکومت است

فقرة اول ترکیب حکومت است در ایران بر طاعت مطلق فقرة دوم
 سلطان در ایران نشانی است فقرة سیم منصب نشانی هر نا در است بطریق اولی
 ذکر نشانی و اعظم ناصر از غیر مقرر است فقرة چهارم اجرای حکومت ایران
 فقرة پنجم وضع قانون و وضع را در هر قرآنین هر چه نشانی است فقرة ششم
 و بعضی است نشانی هر این در نخستین در در هر مجلس علیه ممول میباید فقرة هفتم
 اجرای قانون در درگاه حکومت بر عهد مجلس در دست فقرة هشتم وضع قوانین
 بر عهد مجلس تقنین است فقرة نهم ریاست مطلق این مجلس است
 مخصوص نشانی است فقرة دهم عزل و نصب جمیع عالی مقامات جز
 در حقیقه و در حق مخصوص نشانی است

قانون جریم بر شرط وضع قانون

فقرة اول وضع قانون در اعتبار قانون موقوف بهفت شرط است شرط اول
 قانون باید میان لادان تاثیر و تضمین صلاح عامه خلق به شرط جریم قانون باید در
 تنظیمات اتفاق حاصل گردد چنانچه شرط هشتم قانون باید بر شرط نهم
 و باضابطه باشد به شرط چهارم قانون باید میان فارغ و بیارت در وضع
 نوشته باشد به شرط پنجم قانون باید در دفتر قانون نوشته باشد به شرط ششم
 قانون باید اسم و عدد و مین داشته باشد به شرط هشتم قانون باید در روزنامه است
 اعلان شده باشد

قانون جریم هر کس در خارج از این مذهب شرط باشد قانون نیست

قانون سیم بر حقوق است

فقرة اول قانون در هر ملک ایران در حق جمیع افراد و عاقلان حکم مساوی دارد
 فقرة دوم هیچ شخص در هیچ زمان و در هیچ موردی نمیتواند فقرة سیم آحاد و عاقل
 ایران جمیع در نصیب و در اقلی مساوی در فقرة چهارم از رعایای ایران هیچ
 نژاد و نژاد کفر حکم قانون فقرة پنجم هیچکس از رعایای ایران را نمیتواند
 بر حکم قانون فقرة ششم دخول جبر در مسکن هیچ رعیت ایران بجز نخواهد بود

هر کس که قانون فقرة هفتم عقاب اول ایران از روی غلامان فقرة هشتم بابت بر سر
 حکم قانون مخصوص گرفته خواهد شد

قانون چهارم بر ترتیب مجلس تنظیمات

فقرة اول مجلس تنظیمات مرکب است از اعیان فقرة دوم هر کس که در
 باقیمانده است فقرة سوم هر کس که در اول نصب اجزای تنظیمات بدو است
 باقیمانده است فقرة چهارم هر کس که در اول مجلس تنظیمات و غیر از فقرة پنجم
 جمیع قوانین است باید در مجلس تنظیمات اتفاق جمیع اجزای مجلس نوشته شود فقرة ششم جمیع قرار
 دادها و معاهده چه در امور تجارت چه در امور دیات و چه در امور محکمت باید در مجلس تنظیمات
 تحقیق شود و باضابطه باشد فقرة هفتم حکم مجلس انعقاد اخبار فقرة هشتم در اول مجلس تنظیمات
 مربوط است اجزای قانون بر عهده مجلس تنظیمات است فقرة نهم تحقیق اخبار
 رعایا از حال و احوال و احوال در آن مجلس تنظیمات است فقرة دهم جمیع امیران مجلس
 امین میباشند فقرة یازدهم اعیان فقرة شانزدهم هر کس که در اول مجلس تنظیمات
 از امین امیران کفر در ارتش مجلس قرار خواهد داد لقب رئیس امیر تنظیمات
 صد و شصت خواهد بود

این شرط است که در
 خالصت و در هیچ
 انحصار در این
 دولت قرار نگیرد
 نفس که در این
 فقیه است مسلم
 عرف و احرف بر این

باعتبار تقاضای
مجلس در تعیین
مجلس بر این قرار
در قانون هم تقویت
قاعده در قانون داریم

قانون پنجم تقسیم اختیار اجرا

فقرة اول اعطیت شد تا هر وقت را اجراء در دست وزارت تقسیم دارند
وزارت عدالت ۲ وزارت امور خارجه ۳ وزارت امور داخله ۴ وزارت
جنگ ۵ وزارت علوم ۶ وزارت تجارت و معادن ۷ وزارت پست
۸ وزارت بهار فقرة هفتم اداره بهرگز از این دست وزارت محسوب در است

قانون پنجم تقسیم هر یک از وزارتخانه ها از در دست قانون تعیین است
قانون ششم بر ترتیب مجلس در دادگاه تصدیق علیه ایشان

فقرة اول مجلس در دادگاه است از در وزارت در امر خارجه در امر بهار
وزارت جنگ در علوم وزارت تجارت و معادن در پست وزارت
فقرة دوم رئیس مجلس در دادگاه نیست و هر سال تا هر وقت قوه پنجم اول تصدیق در
اجراء قانون است فقرة چهارم در خارج از قوه پنجم هیچ کار نباید بر اقدام کنند
فقرة پنجم کل در این است فقرة ششم هیچ وزیر نمیتواند در کار وزیر دیگر مداخله نماید
فقرة هفتم هر تصدیق علیه هر یک از این مضمون تصدیق علیه فقرة هشتم هر چه در این
شش وزارتخانه خواهد بود فقرة نهم در زرع خواهند داشت هر قانونی در اقدام داشته
باشند وضع آن را و بعد تصدیقات تصدیقات نیز فقرة دهم در زرع خواهند داشت
در یک نظام خدمات محوله خود بر قاعده در نصب بر آنند وضع نمایند و دیگر مورد
شرطی در قانون همکار در هم مورد است ۲ فقرة یازدهم هر وزیر در صورت محظوظ
در اجراء قانون در الفدر استغناء فقرة چهاردهم وضع قاعده نظام در دولت مجلس در
بر عهدہ رئیس وزارت

قانون دهم بر احوالی است در است

تقسیم اختیار اجرا
تقسیم اختیار اجرا

قوه اول خزان خاں در است قهر است قوه دوم بر وزیر کبیر در امور حکومت قوه
قانون نایب خاں در است قوه سیم در بیان حاکمان بر کس بر وزیران در امور
کبیر خاں در است قوه چهارم بر کس در بیان نقیب نایب خاں در است
قوه پنجم تحقیق و محکم خاں در در اجراء مجلس نظامت است

قانون یازدهم بر اجتماع قوانین در است

قوه اول مجلس نظامت در است یک کس از حکام شریعت در امور متعلق با امور مملکت در است
جمع قوه کبیر و دو از اظه اجراء شرط قانونیت جزو قوانین در است خواهد است قوه دوم
مجلس نظامت در است یک کس از نایب کبیر که مجلس جمیع قوانین در است در است
خواجه دولت و دو از اظه اجراء شرط قانونیت جزو قوانین در است خواهد است قوه سیم
مجلس نظامت در است یک کس از جمیع قوانین در است در است خواهد است قوه چهارم
در اجتماع قوانین بر کس از نایب کبیر که مجلس جمیع قوانین در است در است خواهد است قوه پنجم
قسم در سر لایحه قانون نامه در امور خاں در است حقوق نامه ۳ دیوان نامه ۳
جز نامه ۵ نظام نامه ۵ اداره نامه قوه پنجم بر یک از این قانون نامه ششم
خواهد بود با بواب و ضمیر و قهرات قوه ششم بر یک از این فضل
یک اسم مخصوص خواهد در است قوه هفتم بر قوه یک عدد سیم خواهد در است

قوه ششم بر سر بیخ قانون نامه در بیخ نامه قهر است قوه هفتم
سند حقوق در ایران مختصر بیخ قانون نامه مختصر بود

قانون دوازدهم در بیان ترتیب در است

قوه اول عددنا صاب و ملا صاحب و کما لایف جمیع عمال در است که آنها حکم قوانین
مخصوص معین مختصر است قوه دوم بر کس از نایب کبیر و دو عدد عمال در است خواهد
بر فرجه عاقله و قانون مخصوص نایب کبیر قوه سیم

قوه چهارم بر کس از نایب کبیر و دو عدد عمال در است خواهد بود قوه پنجم در امور در است
کبیر از نایب کبیر خواهد بود قوه ششم بر کس از نایب کبیر و دو عدد عمال در است خواهد بود
ضمت کبیر قوه هفتم اجزای در است و دو عدد عمال در است خواهد بود قوه هشتم
بر کس از نایب کبیر و دو عدد عمال در است خواهد بود قوه نهم بر کس از نایب کبیر و دو عدد
حساب برانر همه سه عدد خواهد بود تاریخ برانر قوه دهم عدد فوق
بجته دخول جمیع در است که نایب کبیر است و یک کبیر بر وزیران که علوم مخصوصه خواهد
خواهد است قوه دهم کبیر در است عموم و طریق در است که نایب کبیر در است قوه
مخصوص مورد خواهد است قوه یازدهم بر کس از نایب کبیر و دو عدد عمال در است خواهد بود
بر کس از نایب کبیر در است در نایب کبیر در است قوه دوازدهم بر کس از نایب کبیر و دو عدد

مجلس نظامت
مجلس نظامت

مکن بخانه بود بر تقاضا خودت حکم و حکم فرمان نماند فقره نهم از بیستم
 منصبان دیوان از نوکران خارج نگردد مگر حکم قانون شصت و نهم فقره چهاردهم
 اسم مورثین مطابق قلم بود فقره یازدهم مورثین صاحب منصبان نماید و بر
 دهمه بر مکتوب داده خواهد بود



فهرست کتابت در این کتابخانه
 در این کتابخانه
 در این کتابخانه
 در این کتابخانه

قانون پست و چهارم بر ترتیب وزارت امور خارجه
 فقره اول وزارت امور خارجه از بیست و نهم است در آن مخصوص وزارت
 اداره امور دولتی اداره امور تجارتی اداره ترجمه و خطوط رز در مرتب و ضبط دفتر
 ترخیصات دفتر حساب و ترتیب اجراء فرستاده وزارت
 فقره نهم درجات اجراء وزارت از بیست و نهم است در زیر نایب ناظم
 متنی ترجمه کتاب ترجمه و ترجمه فرستاده فرانس
 فقره ششم رئیس اداره نایب است در زیر ناظم ترجمه چهارم کار در این

وزارت از بیست و نهم است مطابق تقاضای وزارت امور خارجه چهارم در این
 ترتیبات در ترتیب مقامات اجراء در این باب هیچ با در زیر برود و در این کتاب
 بجز حضور در این فقره بیستم اجراء در این مخصوص وزارت از بیست و نهم است
 این کتاب یک ترجمه است که در این کتاب فقره بیستم کار در این امور
 در این وزارت ترتیبات در این عهد است در این قرار داد و در این
 در این وزارت در این ترتیب و در این ترتیب و در این فقره بیستم اجراء در این
 در این وزارت از بیست و نهم است در این کتاب چهارم ترجمه فقره بیستم کار در این امور
 تجارت از بیست و نهم است ترتیب امور و ترتیب اجراء در این عهد است در این
 در این تجارتی مطابق با ترجمه امور تجارتی در این در این
 فقره بیستم اجراء در این تجارت از بیست و نهم است کتاب در این
 در این کتاب ترجمه و ترجمه فقره بیستم کار در این ترجمه و خطوط رز از بیست و نهم است
 ترجمه ترتیبات در این خارجه بیست و نهم ترجمه فارسی باشد خارجه ترجمه کتابت
 ترجمه خطوط رز فقره یازدهم ترتیب اجراء در این ترجمه از بیست و نهم است
 یک ترجمه نایب ترجمه مترجم کتاب چهارم ترجمه مترجم مترجم
 فقره نهم در این کار در این ترتیب و ضبط از بیست و نهم است ضبط در این اصل

در وجه جمع کتبات وزارت تحصیل عهده حاجت و امتزاجات دیوید کتبات
 مختص جمع قواعده و در کتبات میان رتبه عالی و کتبه خدمات دیوان از وزارت خارجه
 بخورنده دادن مرکز انصار مطابقت هم با بود قوه سیزدهم نیز در عهده
 دفتر ثبت از وزارت ثبت یک نظم یک متن در کاتب سه قوه تعلیم
 قوه چهاردهم کار در قروم و شرفیات از وزارت ثبت و متن عهده حاجت
 اخصای حاجات قوه سیزدهم تصدیق حاجات حاجات شایسته
 حل مسائل شرفیات در عیازات و حقوق نابینا خارجه و کتبه عادات می
 قوه پانزدهم بر طبق اجزای دفتر شرفیات از وزارت ثبت یک نظم یک متن
 در کاتب در قوه شانزدهم کار در قوه سیزدهم از وزارت ثبت در کل خواهد
 در برابر عیازات بیانه در مجلس نظایات معین بود انصار مطابقت جمع اجزای وزارت
 ثبت عدد و منصب جمع اجزای وزارت جمع کتبه و نام خارج خارجه
 محتاج تحقیق قارنات در هر مستقر قوه سیزدهم اجزای دفتر سیزدهم از وزارت
 یک نظم یک کاتب یک محرر قوه سیزدهم فراتر از وزارت ثبت
 در عیازات ده فرانس قوه سیزدهم نایب نظم در عیاضت اقراس شایسته
 سیف نایب با در اجزای خود وزیر موفقی قانون معین سیکه قوه سیزدهم در عیازات

وزارت از آن وزارت در ارتش وزارت نایب هزاره با صدقان
 نظم هزاران متنی با صدقان کاتب یصدیقان محرر تعلیم سنج مترجم هر یک
 از این درجات را داشته باشد که عهده در کتبه حاجت انصار مطابقت محرر تعلیم
 صدقان قراست شایسته صدقان قوه سیزدهم یک ناموزین خارجه از اجزای وزارت
 خارجه محقق خواننده قوه سیزدهم نایب نظایات شان در عیازات در وزارت
 سیزدهم اجزای این قانون راجعه در هر حال خارجه است

نظم یک متن در کاتب سه قوه تعلیم
 قوه چهاردهم کار در قروم و شرفیات از وزارت ثبت و متن عهده حاجت
 اخصای حاجات قوه سیزدهم تصدیق حاجات حاجات شایسته
 حل مسائل شرفیات در عیازات و حقوق نابینا خارجه و کتبه عادات می
 قوه پانزدهم بر طبق اجزای دفتر شرفیات از وزارت ثبت یک نظم یک متن
 در کاتب در قوه شانزدهم کار در قوه سیزدهم از وزارت ثبت در کل خواهد
 در برابر عیازات بیانه در مجلس نظایات معین بود انصار مطابقت جمع اجزای وزارت
 ثبت عدد و منصب جمع اجزای وزارت جمع کتبه و نام خارج خارجه
 محتاج تحقیق قارنات در هر مستقر قوه سیزدهم اجزای دفتر سیزدهم از وزارت
 یک نظم یک کاتب یک محرر قوه سیزدهم فراتر از وزارت ثبت
 در عیازات ده فرانس قوه سیزدهم نایب نظم در عیاضت اقراس شایسته
 سیف نایب با در اجزای خود وزیر موفقی قانون معین سیکه قوه سیزدهم در عیازات

قانون سیزدهم در تقسیم کارها

قوه اول که در کارها بران بر طبق تقسیم کارها قوه دوم که در کارها
 و دیت خارجه قوه سیزدهم هر دیت تقسیم کارها بر دال که قوه چهارم
 بر ایالت متعمم خارجه بر دال پنج ناحیه قوه سیزدهم هر ناحیه تقسیم کارها بر دال پنج
 بلوک قوه ششم لقب رئیس اداره هر دیت دال خارجه لقب رئیس اداره
 هر ایالت نایب الدیاله خارجه لقب رئیس اداره هر ناحیه نایب متعمم لقب رئیس اداره
 هر بلوک شرف ناموزین قوه سیزدهم معین رؤسای تقسیمات و دیت اطلاع در وزارت

درخت بار اول خادم بود فقره پنجم در هر دولت یکبار داد و بخت بود موافق قانون
فقره دهم اجر این قانون بر عهد و زیاده است

قانون پست و محکم بر ترتیب وزارت ارادند

فقره اول وزارت امور دوله تقسیم است بهشت باره دایره محوم وزارت
دایره اداره دیانات دایره قضیه دایره زرعت دایره جنبیه دایره خراج
دایره دینی دایره محاسبه

قانون پنجم بر ترتیب دایره قضیه

فقره اول در دولت ایران چهار ضابطه خواهد بود فقره اولم این چهار ضابطه تقسیم
خواهند بود یا ضابطه دهم و غیر فقره سیم ضابطه از آن چهار خواهد بود این ضابطه
کلاسه صابط دارد و باید دارد فقره چهارم هر دسته محکم یک دارد و در
درجه محکم در ضابطه محکم فقره پنجم در هر دولت یک کلاسه در دیانت است
در هر محکم دارد در هر دولت یک است بر آن وقت فقره ششم این نیز فقره کلاسه
دیانت محکم در ضابطه و این ضابطه در وزارت ارادند و این ضابطه محکم در
در خدمت بود فقره پنجم بر عهد دایره قضیه تقسیم است و تقسیم است و تقسیم است

قانون پنجم بر ترتیب دایره قضیه

قانون پنجم بر ترتیب دایره قضیه

انضباط قضیه فقره ششم اجر این قانون بر عهد و زیاده است

قانون ششم بر ترتیب دیوانها

فقره اول در دولت ایران تقسیم دیوانها خواهد بود ۱ دیوان رصیح ۲ دیوان عدلیه
۳ دیوان فقره پنجم در هر دولت یک دیوان عدلیه خواهد بود فقره ششم در هر محکم یک دیوان
رصیح خواهد بود فقره چهارم در هر دیوان یک دیوان محکم بود و هر دیوان یک در هر محکم است
خواهد بود فقره پنجم دیوان رصیح مرکب است از کتیب و کتیب است در هر صبح فقره ششم
دیوان عدلیه مرکب است از چهار کتیب قاضی یک کتیب محکم یک کتیب محکم است
در اسس فقره پنجم کتیب رئیس دیوان عدلیه حاکم عدلیه است فقره ششم کتیب
مرکب است از کتیب رئیس و حاکم یک کتیب محکم و یک کتیب محکم است
فقره پنجم کتیب رئیس دیوان محکم و کتیب خواهد بود فقره دهم محکم عزل و نصب
روز و در محکم دیوان محکم است اقسا من هر دارد فقره یازدهم در هر محکم در هر محکم
دست بر عهد و زیاده است ۲

قانون ششم بر ترتیب وزارت عدلیه

قانون پنجم بر ترتیب دایره قضیه
قانون ششم بر ترتیب دیوانها
قانون ششم بر ترتیب دیوانها

قانون چهل و نهم در مورد قریب و دور علی

فقره اول هرگاه وزیر یاات برسط وایزه تقسیم یات و تهر الهمر جمع وایزه
 مشخص حکم کرد و حکم کلیات را در میان است وزارت تقسیم خواهد بود
 هر وزارت یکی یک شخص متبر بضر و فقرات خارج وزارت ترقی خواهد
 وکل این تقیبات و ترقیات را بکس تقیبات خواهد آورد فقره دوم کلیات
 تقیبات یات و فقرات خارج وزارت را بکس خواهد بود پس از تصحیح و اضافی
 آن بهضای علیضرت شاه شریف حکم برسیه فقره سیم پس از حصول اضافی
 شاه شریف وزیر یاات و تهر الهمر یاات و دیات را برسط وایزه جمع محرمی
 خواهد داشت فقره چهارم در هر ولایت کثیر تخمید را از خواهد بود فقره پنجم
 در هر یاات کثیر تخمید را بکس فقره ششم در هر ولایت کثیر تخمید را بکس
 فرانس الیه خواهد بود فقره هفتم تخمید را بکس فقره هشتم تقیبات
 فقره نهم تقیبات اینها را بر کل قریب و دورا و کس تقیبات اینها فقره دهم
 حکم کلیات ایران در تصرف وزیر یاات خواهد بود فقره دهم
 هر وزیر خارج وزارت در موافق فقرات کتبی خود در هر عین است خواهد
 فقره یازدهم برات درازا که در جمع وزیر یاات حکم بود فقره دهم

و در هر وزارت یکی یک شخص متبر بضر و فقرات خارج وزارت ترقی خواهد
 وکل این تقیبات و ترقیات را بکس تقیبات خواهد آورد فقره دوم کلیات
 تقیبات یات و فقرات خارج وزارت را بکس خواهد بود پس از تصحیح و اضافی
 آن بهضای علیضرت شاه شریف حکم برسیه فقره سیم پس از حصول اضافی
 شاه شریف وزیر یاات و تهر الهمر یاات و دیات را برسط وایزه جمع محرمی
 خواهد داشت فقره چهارم در هر ولایت کثیر تخمید را از خواهد بود فقره پنجم
 در هر یاات کثیر تخمید را بکس فقره ششم در هر ولایت کثیر تخمید را بکس
 فرانس الیه خواهد بود فقره هفتم تخمید را بکس فقره هشتم تقیبات
 فقره نهم تقیبات اینها را بر کل قریب و دورا و کس تقیبات اینها فقره دهم
 حکم کلیات ایران در تصرف وزیر یاات خواهد بود فقره دهم
 هر وزیر خارج وزارت در موافق فقرات کتبی خود در هر عین است خواهد
 فقره یازدهم برات درازا که در جمع وزیر یاات حکم بود فقره دهم

وزیر یاات کلیات وزارت را پس از تحقیق تمحض خواهد داشت و مداره خواهد
 نظیر فرست و فقره بیستم وایزه خواهد پس از تحقیق صحت کلیات و تقیبات
 آن با کتبی وزارت ادا خواهد کرد و در حاله ایزه خواهد بود فقره بیست و یکم
 خزانه پس از صحت کلیات و جدا از خود کارها را بکس خواهد کرد فقره بیست و دوم
 تخمید در اوراق کتبی خود کلیات کنند با بر در صحت و صحت فقره بیست و سوم
 هرگاه وزیر یاات قطع خارج وزارت در خزانه بود زاننده بهتر است از
 بدو اعلام حکم کرد برات کنند فقره بیست و چهارم هیچ وزیر در خارج وزارت
 خود نمی تواند از تقیبات و تهر الهمر کتبی خود کس کرده فقره بیست و پنجم در صورت
 خود خارج فوق العاده موافق قانون بشکود و در حکم فنان خصوص کار ساز خواهد بود
 فقره بیست و ششم وایزه میزان مراد طب صحت امثال وزارت یاات
 خواهد بود و دقیقه و نمر و خروج و جو خزانه هر روز ثبت حکم بود فقره بیست و هفتم
 جمیع مستندات مالیه باید با مداره ایتفا فرست و خواهد بود فقره بیست و هشتم
 کس حسابات ایلان با بر در کس ایتفا تحقیق و تفریح بود فقره بیست و نهم
 اجر این قانون بر عهده وزیر یاات است
 قانون چهل و نهم بر وضع نسیم

و در هر وزارت یکی یک شخص متبر بضر و فقرات خارج وزارت ترقی خواهد
 وکل این تقیبات و ترقیات را بکس تقیبات خواهد آورد فقره دوم کلیات
 تقیبات یات و فقرات خارج وزارت را بکس خواهد بود پس از تصحیح و اضافی
 آن بهضای علیضرت شاه شریف حکم برسیه فقره سیم پس از حصول اضافی
 شاه شریف وزیر یاات و تهر الهمر یاات و دیات را برسط وایزه جمع محرمی
 خواهد داشت فقره چهارم در هر ولایت کثیر تخمید را از خواهد بود فقره پنجم
 در هر یاات کثیر تخمید را بکس فقره ششم در هر ولایت کثیر تخمید را بکس
 فرانس الیه خواهد بود فقره هفتم تخمید را بکس فقره هشتم تقیبات
 فقره نهم تقیبات اینها را بر کل قریب و دورا و کس تقیبات اینها فقره دهم
 حکم کلیات ایران در تصرف وزیر یاات خواهد بود فقره دهم
 هر وزیر خارج وزارت در موافق فقرات کتبی خود در هر عین است خواهد
 فقره یازدهم برات درازا که در جمع وزیر یاات حکم بود فقره دهم

خواهد بود فقوه پنجم مجلس اداره مخته گرفته اقلای جمع خواهد بود فقوه ششم اجراء مجلس اداره
بجمله مقررات مجلس ملاحظه مخصوص خواهند داشت فقوه نهم ازین قانون مجتهد
دور خواهد بود

قانون پنجم و چهارم بر دفع فقر اول

فقوه اول تا ده روز دیگر فقیر صاحب قلم نام خود فرزند خواهد شد پیش نفس
خوبی طوق دهد فقیر ناظم چنانچه بر ارضت دولت ایران اجیر نماید فقوه هفتم
اینست فقیر منتهی تا پنج ماه دیگر باید در در طهران شده فقوه هشتم اینست فقیر
منتهی یکروزه مجاز در خود خود در دست شروع خواهد کرد در وقتن روز چهارم
یکسال مجاز در خود منتهی با مرتکبات از شهر او شهر با عراد در دست روز پنجم
و از شهر در دست روز ششم در شهر فقوه نهم منتهی تا ده مجاز در خود منتهی تا ماضی
باید در پانزدهت و یکم مرتکبات بر عدالت ایران اقلای مخته گرفته در یک ربعه
میان پانزدهت براده فقوه دهم پانزدهت باید در روز هم رفته اقلای منتهی تا ماضی
فقوه یازدهم بجمله اجراء این قانون در چهار قطعه است بر ارتقان وزیر عدالت
و ان خواهد شد فقوه دهم طبع و قواعد اجراء این قانون را در وزارت دادگاه
با طبع و کتب مجلس تنظیمات خواهد رسید فقوه یازدهم اجراء این قانون را در وزارت عدالت

قانون پنجم و سه بر ترتیب ضرایب کما در کتب اجراء
فقوه اول در اجراء این ضرایب کما در کتب تعلیم بود
فقوه ششم در دست بر کس باید که در کتب استس با مجلس تعلیم فقوه هفتم و یکم
اجراء این قانون بر مجتهد وزیر است

قانون ششم و ششم بر طبع و نشر کتب

فقوه اول عالی در این مجتهد در این هیچ چیز نخواهند داشت بر اعدا و کتب کتب
هر جا فقوه هفتم هر جا در خلاف این قانون باید فاسد است

قانون هفتم و سه بر فروش ادک خالصه اول

فقوه اول ادک خالصه دیوان کلا موقوف شرایط دیگر با فردی است فرایضه
فقوه ششم در اجراء این قانون بر مجتهد وزیر دادگاه است
قانون هفتم و چهارم بر ترتیب بانک

فقوه اول یک در بیان از ماضی فردی ادک خالصه در وزارت عدالت
در یک بانک با ترتیب به فقوه هفتم هر سر بانک که در کتب بود
فقوه نهم این در کتب تقسیم خواهد بود بر هر کدام صدقانی فقوه چهارم

تایید است

تایید است

تایید است

تایید است

صحن این بر زده صاحب بن خواجه قوه پنجم قوه ترقیب کبر و حقوق
اعمال این در حکم و حکم و نون صمدین نهم ستم قوه هشتم هر کافر با یک در ابتدا
بج کوه خلیفه قوه پنجم هر کافر با یک بر در دست خجاک از در تاسیسات
نفسر تا بنامه کرد در قان بره قوه هشتم اجراء این قوه نهم در زنجار است

این قوه در این حکم
در این قوه در این حکم
در این قوه در این حکم
در این قوه در این حکم
در این قوه در این حکم

این صده هشتاد و نون سلو در پنجمه تمام کردیم و مضایق را بر سر نهم در دست نشانی
چهار هزاره قانون جسم کرم در ابتدا که معذرا در اجراء این قوانین انجمن است
دخالت نمودند که از ایشان آن خط آخر قوانین هم میگوید اجراء این قانون
بر عهده فلان وزیر است حرف همه خجاک کرد و قانون را در معانی که به هر جری
نداشت مجلس تنظیمات پس از اثبات تصحیح در یکم قوانین سلو موقوف است
شأن هر دو حق در بر تصرف جارت است بعد از این مقدمه در زودین در تمام مرجع
دانشگاهها برگزیده است عدلی بر این علم حضرت شأن هر یک بر سر گردند
در وزر از خواب غفلت بیدار شدند چون سابقا در زار الکلیج در معانی
بسیج حرفی نداشتند و تغییر وزارت کار عمده میگردیدند در زار منصوب آقای
منصب خود را بکلیت از دست دادند و در این قرار رسیدند و چنان دانند و دیگر در کفر ایشان
ناتوانی امر است مخفی میماند بعضی مردم از حق نیز این ادعایشان سلو قبل میگردند
اینک است در زار ایران که در وقت است با نفع کشید و علم حضرت شأنهای
انگیز و در زار در فرنگ کم افتاد و در حکم احرام باشما به تصدیق نرسد و در زار بطوریکه
بهر از شما در معانی هر دو بر منصوب پنج و نهم نفر وزیر معزول است و است با همه
همیشه میگردند در اجراء قوانین تنظیمات بقدر زنده است با همه میگردند با اینکه میخواست

تند در دروازه ای باز داشت در ارت گنه پناحت منوریش این تر بر عیشت
 ششم هم در دروازه ای چایک در یک دست حضرت که بود حیران آنما صوره
 ساقا لجه ناز در کتبه راه می فرشته بود لطف و در دستا مصدق حضرت دیوان
 قابل اعتنا منور شمرند با کمال می در وسط ارباب خدمت و لایحه می دیدند
 و هر ساعت مصلحت می کشیدند تازه می شنیدند در اهل کفایت بودند و تکلف می نمودند
 و در هر امر قانونی هزار نوع فریب می کشیدند همان اوضاع و احوال و شمع سقنیات بود
 و در عالم نادانی خود عبارت و الفاظ قوانین را تحقیر و دستبراز می نمودند پس از اجراء می نمودند
 متوجه بودند این الفاظ ساده که می خواندند و در هیچ متصنّفی که با او بود نمی توان اقرار کرد
 در تنظیمات صحیره بر روی کس و جدول دست یکدیگر است مراد فرقه های کمالی
 که با یکدیگر صاحبان کفایتان کفرد خاطر دارم در میان
 است و پنج کرد پیشم کمال فرود خسته بیات نامزدان به غفرت که در رسیده در آن
 سال با نخبه کردیم و شکر بهر سر آمد بیات این بیم در از که در جو در لطف استوار بودگان
 و مرد طبیعت و لطف فیضیه و غنیت ایران کجا رسیده چه همیشه بنام شهر احوال با دو مالک
 خود رسد و کمال آن بود که بحسب میگردند ترتیب مجلس اودره و استوار بیات شهری
 که آن مقربان دولت و کفایت را در درایون شهر میگذشتند بهر که در شهر با رعایت

دهرت آئین از نظر این اوقات خان فرح دست و در در شهرت نون
 سر آمدی از خواب بهار نرم شد چهار نفر از زلفها را شکر کردم و در دستها نون
 خود را از غایت ترقی و تحجیب بیان نظر کردم که گشته در نظر صدق این بود
 در عهدین سلطان جوان بخت جایست تقوی که بود نفع

در دوا صلاقت است در میان بر رانی

با کمان و کباب چو آفریننده

کعبه این نقد مگردان

نسیه برار در غم

شهر سحر آینه لطف

سمت مقام در

۲۲۲

۲۲۲

۲





